

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۴/۱۴)

سودا خورشیدی عربشاه‌خان^۱

چکیده

ازدواج از عناصر اجتماعی درخور توجهی است که در لابه لای برخی از متون ادبی بازتاب یافته است. از این میان مثنوی فرهادنامه متأثر از عناصر اجتماعی از جمله آیین ازدواج ارامنه است. ویژگی ازدواج ارامنه و انعکاس دقیق آن گویای مشاهدات عینی عارف است. در آیین ازدواج ارامنه، رد پای فرهنگ و آیین ایرانیان باستان و مردمان خطه اردبیل دیده می‌شود، این امر حاکی از آن است که بین ایرانیان و ارامنه با وجود تفاوت‌های دینی نزدیکی فرهنگی و اجتماعی وجود داشته و آداب و رسوم این اقوام در یکدیگر ممزوج شده است. ارامنه و ایرانیان باستان تنها با مرگ یکی از زوجین می‌توانستند همسری دیگر برگزینند؛ از این رو تعدد زوج در میان آنان امری ناپسند به شمار می‌رفت. از طرفی حیا و عفت جزو خصایص مشترک عروسان ارمنی و ایرانی بود که به دلیل باورها و اعتقادات مذهبی، خود را ملزم به رعایت آن می‌کردند. این مقاله با هدف تبیین آیین ازدواج ارامنه در دو محور آداب پیش از ازدواج و آداب روز ازدواج و بررسی مشترکات آداب و رسوم این قوم با ایرانیان و پیوند هرچه بیشتر این دو قوم از طریق مطالعه اسنادی - کتابخانه‌ای و روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مثنوی فرهادنامه، ارامنه، ازدواج ارامنه، عارف اردبیلی، ازدواج در فرهادنامه.

مقدمه

عناصر اجتماعی مجموعه‌ای از اندیشه‌هایی است که افراد یک جامعه عملی کرده و به منصفه ظهور رسانده‌اند؛ از این رو هر کدام از این عناصر و آداب اجتماعی عهده‌دار وظایفی است. «نخستین وظیفه آداب و تقالید اجتماعی که سازنده قوانین اخلاقی هر اجتماع است، آن است که روابط میان دو جنس زن و مرد را بر پایه‌های متین استوار سازد. اساسی‌ترین عمل تنظیم این روابط ازدواج است که می‌توان آن را به عنوان اتحاد یک جفت زن و مرد، برای بهبود و پیشرفت نسل آینده تعریف کرد» (دورانت، ۱۳۶۷: ۴۴). لازمه شناخت یک جامعه، بررسی نهادهای تشکیل‌دهنده آن است. ازدواج از عناصر تشکیل‌دهنده این واحد اجتماعی است که در هر جامعه با توجه به ویژگی‌های خاص آن متفاوت است. برخی جامعه‌شناسان ازدواج را قراردادی الهی و گروهی نیز آن را فرایندی اجتماعی می‌دانند، «ازدواج به عنوان یک سنت فطری و الهی قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند» (صفایی و امامی، ۱۳۷۶: ۶۵) و همچنین «ازدواج فرایندی است که از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و بطور کلی عمل آن مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است» (ساروخانی، ۱۳۸۱: ۲۳) از این رو مسئله ازدواج در میان همه ادیان امری نیک و پسندیده به شمار می‌رود. در تعریف ازدواج آمده است: «یکی شدن محبت دو شخص که با یکدیگر برای زندگی مشترک همراه با امانت‌داری متقابل و همکاری متعهد می‌شوند» (مک آفی برون، ۱۳۹۶: ۲۸۵). زرتشت نیز مقام مرد زنده‌دار را والاتر از مرد بی‌زن می‌داند «هر آینه من مرد زنده‌دار را از کسی که بی‌زن باشد برتر می‌دانم و مرد خانه‌دار را از بی‌خانه و مرد فرزندان‌دار را از بی‌فرزند... [در فرگرد ۴۸ و نیدیا]، بدان‌روی مرد زن و فرزندان‌دار برای بدست آوردن روزی می‌کوشد و کشاورزی و دامداری و دیگر کارها می‌کند و جهان از کار او آبادان می‌شود» (جنیدی، ۱۳۷۸: ۷۴). در دین زرتشت کمک به ازدواج کسانی که به سن بلوغ رسیده و به علت نداری بی‌همسر مانده‌اند از کارهای پسندیده شمرده شده است (آذرگشسب، ۱۳۷۶: ۱۷۴)؛ از این رو آیین مربوط به ازدواج اقوام مختلف حتی با

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۴۹

وجود تفاوت‌های دینی می‌تواند به دلیل تشابه فرهنگی و یا نزدیکی محیط، وجه اشتراکی داشته باشد. از جمله این اقوام، ارامنه و ایرانیان هستند. مثنوی فرهادنامه^۱ شامل دو بخش است بخش اول دربردارنده زندگی عارف و شخصیت اصلی داستان، فرهاد و ماجرای عاشق شدن او بر گلستان و سفر او به ابنخاز است. قسمت دوم مثنوی سرآغاز عشق فرهاد و شیرین و سرانجام زندگی فرهاد است؛ این بخش به صورت چشمگیری تکرار سخنان پیر گنجه، نظامی است. علت تأثیرپذیری شاعر از آیین ازدواج ارامنه این است که شاعر خود، به مناطق ارمنی‌نشین سفر و با زیبارویان ارمنی نشست و برخاست داشته است:

سوی در بند رو عارف دگر بار که آنجا نظم را گرم است بازار

(فرهادنامه، ب ۱۰۸)

مرا وقتی بدین آیین شبی بود ز ترسا دختران شکر لبی بود

(فرهادنامه، ب ۱۰۲۲)

بابا صفری صاحب کتاب «اردبیل در گذرگاه تاریخ» نیز به زندگی ارامنه در میان مردم اردبیل اشاره داشته «و از پیروان مذاهب دیگر بیش از همه ارمنی‌ها در این شهر زندگی می‌کردند و محله مخصوصی داشت که به نام آنها ارمنستان خوانده می‌شد و این محله که کلیسای کهنه و متروک ارمنی‌ها در آن واقع است امروز نیز به همان نام معروف است» (صفری، ۱۳۷۰: ۸۰).

پیشینه پژوهش

از عناصر اجتماعی مشترک در حوزه فرهنگ و ادبیات، آداب و آیین ازدواج است. از این میان مقاله‌ای با عنوان «ازدواج و زناشویی در میان ارامنه اصفهان» (ضیایی، ۱۳۸۷) و در حوزه ادبیات، رساله‌هایی با محوریت ازدواج و آیین آن، در شاهنامه فردوسی، مثنوی معنوی و غزلیات شمس به نگارش درآمده است. در مقاله پیش رو آداب ازدواج ارامنه در دو محور بررسی شده است: آداب پیش از ازدواج که این خود

۱. حدود دو قرن پس از نظامی، شاعر گمنامی به نام عارف اردبیلی داستان عشق فرهاد و شیرین نظامی را که هنوز در میان مردم گنجه و شروان بر سر زبان‌ها بود، منظوم ساخت و نامش را «فرهادنامه» گذاشت.

۵۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

شامل تعیین وقت، تعیین شیربها و جشن حنا است و دیگری آداب روز ازدواج که دربردارنده جشن عقد و عروسی، رسم برداشتن روبند و رسم نثارافشانی است. هر کدام از این عناوین با تکیه بر ابیات عارف بررسی و تحلیل شده است.

ارامنه در فرهادنامه

در گذشته، دختران ارمنی تا زمانی که ازدواج نکرده و صاحب فرزند نشده بودند اجازه سخن گفتن با پدر خانواده را نداشتند و همواره در سکوت به سر می‌بردند: «سکوت مطلق که هر بانوی جوان باید تا به دنیا آمدن اولین فرزند در خانه رعایت کند» (اورسول، ۱۳۸۲: ۸۴). در سرتاسر فرهادنامه می‌بینیم هیچ گفت‌وگویی بین پدر و گلستان (دختر ارمنی) اتفاق نمی‌افتد و اگر گفت و گویی باشد بین مادر و گلستان است، از دیگر نکات مهم در زندگی زناشویی ارامنه، وفاداری آنها به یکدیگر است. بدین معنی که مردان ارمنی اغلب تک‌همسری هستند و دیده نشده که آنان همزمان چندین زن را به همسری خود در بیاورند، اما «بعد از فوت یکی از زوجین شخص می‌تواند بار دیگر ازدواج کند» (میناسیان، ۱۳۸۵: ۷۹). فرهاد چینی، بر طبق رسوم ارامنه عمل کرده و زمانی با شیرین ازدواج می‌کند که گلستان او را برای همیشه ترک کرده است؛ از این رو آیین ازدواج در میان ارامنه از تنوع برخوردار بوده که عارف آن را با دخالت دادن در شخصیت‌های داستان به رشته تحریر درآورده است.

۱. آداب پیش از ازدواج

۱-۱. هم‌پیشگی خواستگار

ازدواج در نزد ارامنه از اهمیت زیادی برخوردار است؛ از این رو والدین، قبل از فرستادن دختران به خانه بخت، شروطی را برای خواستگار در نظر می‌گرفتند. از جمله این شرط‌ها هم‌پیشگی داماد با پدر عروس است. در غیر این صورت خواستگار می‌بایست آن پیشه را فرا می‌گرفت، به تحقیق می‌توان گفت که چنین شرطی در میان ایرانیان پیرو کیش زرتشت نیز وجود داشته است «در زمان ساسانیان، جوان می‌بایست نامزد خود را در خانواده‌ای بجوید که هم‌پیشه و هم حرفه او باشد پدر دختر

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۵۱

می‌توانست دامادش را در میان همکاران جوان خود پیدا کند» (مظاهر، ۱۳۷۳: ۴۸)؛ از این رو فرهاد برای به دست آوردن گلستان کار سنگتراشی را که پیشه پدر گلستان است یاد می‌گیرد. پدر گلستان تنها زمانی تن به این وصلت می‌دهد که فرهاد توانسته باشد سنگتراشی را همانند او انجام دهد:

ز من دختر در آن ساعت ستاند که کار سنگ را چون من بداند
(فرهادنامه، ب ۹۰۵)

۱-۲. هم‌کیشی خواستگار

از دیگر شروط، داشتن دین و آیین مشترک است که در صورت نبود این ویژگی، خطبه عقد بین زن و مرد خوانده نمی‌شد. آزادی و اختیار در دین در نزد چینیان امری بسیار معمول بوده و شوهر اجازه تحمیل دین به همسر خود را نداشته چه بسا این مردان چینی بودند که تحت تأثیر دین همسر خود، قرار می‌گرفتند. آذرگشسب صاحب کتاب «مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان» این شرط را از جمله شروط مهم در آیین ازدواج زرتشتیان می‌داند «موضوع دیگری که در ازدواج اهمیت داشت این بود که زن و شوهر هر دو بایستی به‌دین و مزدیسنی باشند» (آذرگشسب، ۱۳۷۶: ۱۷۶). در داستان فرهاد چینی و گلستان ارمنی کشیش زمانی حاضر به جاری کردن عقد می‌شود که فرهاد بت‌پرستی را رها کرده و به آیین ترسایی درآید:

بدو آنکه دهم این دخت ترسا که آید بر سر دین مسیحا
(فرهادنامه، ب ۱۴۳۱)

۱-۳. تعیین وقت

سعی آرامنه در تعیین زمان، بر آن است که همه مهمانان توانایی حضور در مراسم را داشته باشند؛ به همین جهت آنان فصل پاییز را نه تنها بهترین زمان برای برپایی جشن در نظر می‌گرفتند بلکه «دختر و پسر ارمنی در جشن مهرگان، نامزد خود را انتخاب می‌کردند» (ضیایی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). مهرگان در میان پیروان کیش زرتشت، روز مهر و

۵۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

محبت بوده «جشن مهرگان روز شانزده مهر هر سال از طرف ایرانیان برگزار می‌شود. مهر به معنی دوست و محبت است که در اوستا از آفریدگان اهورا محسوب می‌شده و واسطه بین آفریدگار و آفریدگان است» (میرنیا، ۱۳۶۹: ۵۴) و همچنین مهرگان در نزد ایرانیان باستان روز عهد و پیمان است «مهرگان مربوط است به فرشته مهر و در اوستا میترا نامیده می‌شود و به معنی نور خورشید و مهر و محبت و عهد و پیمان می‌باشد این جشن در قدیم میتراکانا^۱ نامیده می‌شد» (آذرگشسب، ۱۳۷۶: ۲۳۳)؛ از این رو مهرگان مناسب‌ترین زمان ازدواج برای ایرانیان و آرامنه است. بیت زیر نیز گویای این است که ازدواج فرهاد و گلستان در فصل پاییز و هم‌زمان با جشن مهرگان صورت گرفته است:

اگرچه برگ‌ریزان بود بر خاک هنوز آونگ بود انگور از تاک

(فرهادنامه، ب ۷۴۹)

۱-۴. تعیین شیربها

از دیگر آداب پیش از ازدواج، تعیین میزان شیربهاست «شیربها مبلغی است که از طرف خانواده عروس تعیین شده و داماد باید به هنگام بردن عروس آن مبلغ را به خانواده وی پردازد» (ریاحی، ۱۳۷۰: ۱۸) به منظور تعیین میزان شیربها پیش از برگزاری جشن عروسی از جانب خواستگار ضیافتی برگزار می‌شود «سه روز قبل از عقد، داماد به خانواده عروس شام می‌دهد» (مهرآباد، ۱۳۷۹: ۹۴). شیربها، بر طبق عرف، در مناطق مختلف متفاوت بوده و بر اساس هنجارها و ارزش‌های هر طایفه تعیین شده است «داماد پیش از مراسم برای عروس گوشواره، بازوبند و سایر زینت‌آلات و نیز مقداری خوراکی به خانه عروس می‌فرستد» (الٹاریوس، ۱۳۶۳: ۲۹۵) و همچنین «مبلغی پول، چند رأس گاو، اسب و گوسفند است که داماد یا پدرش به خانواده عروس می‌پردازد و در پیرامون عروسی صحبت و روز نامزدی را تعیین می‌کنند» (میرنیا، ۱۳۶۹: ۸۱). فرهاد شاهزاده چینی نیز، پیش از مراسم ازدواج، ضیافتی به منظور گفت‌وگو پیرامون عروسی و تعیین شیربها، برای گلستان و نزدیکان او برگزار می‌کند:

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۵۳

چو مجلس گرم شد شهزاده چین
سماط عاشقانه پیش آورد
سماطش را صفای صادقی بود
ز سوز سینه بود و دل کبابش
مُزَعَفَرهاش^۱ رنگ روی زر داشت
دو چشم او به اطراف گلستان
مکن مهمانی فرهاد را عیب
خورشت‌ها را دگرگون کرد آیین
غنی را سفره درویش آورد
ابایش را نشان عاشقی بود
نمک آب دل از چشم پر آبش
دل بریان او بوی جگر داشت
فشانده مُقل بهر نقل مستان
که اسباب غریبان آید از غیب
(فرهادنامه، ب ۱۳۶۲-۱۳۵۶)

فرهاد، شیربهای معین شده را به وسیله گروهی از آشنایان و در نهایت احترام، روانه خانه گلستان می‌کند. بیت زیر نشانگر این است که رسم شیربها بیشتر به منظور تأمین مخارج عروسی دختر بوده و مبلغ دریافتی صرف خرید جهیزیه می‌شده است:

گهرهایی که با خود داشت سرور
فرستاد از برای خرج دختر
(فرهادنامه، ب ۱۴۶۶)

۱-۵. جشن حنا

گیاه حنا از دیرباز در میان زنان کاربردی آرایشی داشته است. به این صورت که زنان «برگ این نبات را پس از چیدن خشکانده و آن را می‌سایند تا تبدیل به گرد شود. حنا را با آب گرم مخلوط و بعد این خمیر را به گیسوان می‌مالند» (آلمانی، ۱۳۳۵: ۳۲۱). یکی از مهمترین جشن‌هایی که حنا در آن استفاده می‌شده جشن حنابندان است. «حنابندان» یا «حنابندی» جشنی بود که هنگام حنا بستن عروس بر پا می‌شد» (رفیع‌فر و کماللو، ۱۳۹۳: ۳۰). استفاده از حنا در این جشن بر اساس باورهای بوده که در بین ایرانیان و ارمنه رواج داشته است. آنان «معتقدند رنگ این ماده، دست را زیبا و از اثر صدمات وارده به آن می‌کاهد» (دل‌واله، ۱۳۷۰: ۱۶۵). رسم گذاشتن حنا بر دست عروس ارمنی بر عهده مادر داماد بوده به این صورت که: «اول باید مادر داماد کف

۱. پالوده، شیر سرخ (دهخدا، ذیل واژه مُزَعَفَر)

۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

دست عروس حنا بگذارد، عروس دستش را مشت می‌کند و به شوخی می‌گوید باز نمی‌شود. مادر داماد مقداری پول به عروس می‌دهد وقتی عروس راضی شد مشتش را باز می‌کند مادر داماد مقداری حنا به علامت صلیب در دست عروس می‌گذارد» (آساطوریان، ۱۳۹۲ : ۱۰۶-۱۰۷).

بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که گذاشتن حنا در دستان گلستان، بر عهدهٔ مادر فرهاد بوده است؛ اما مادر فرهاد در همان آغاز داستان، در چین به همسری عموی فرهاد در آمده و در مراسم ازدواج پسر حضور نمی‌یابد. رسم حنابندان تنها در بین ارمنه متداول نبوده بلکه این جشن از جمله جشن‌هایی است که از دیر باز در میان ایرانیان بخصوص مردم اردبیل به منظور آخرین شب حضور دختر در خانهٔ پدر، برگزار می‌شود؛ «پس از آنکه لباس‌های عروس دوخته و آماده شد و تاریخ شب عروسی معین گردید جشن دیگری منعقد می‌گشت که به «حنا گجسی»^۱ معروف بود. این جشن، شبی بود که فردای آن عروس را به خانه داماد می‌بردند» (صفری، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۵۸). اشعار عارف نیز گویای آن است که این جشن در مراسم ازدواج فرهاد و گلستان، در خانهٔ عروس برگزار می‌شود. به این صورت که مشاطه، دست و پای سیمین گلستان را برای زیبایی هرچه بیشتر و بر طبق آداب و رسوم سرزمین ارمنستان نگارین می‌کند:

در این سودا چو شد در خانه خویش به خدمت تیز شد مشاطه در پیش
به دستانش خضاب افکند در پای چو پایش کرد دستان گردن آرای
(فرهادنامه، ب ۱۵۰۰-۱۵۰۱)

۲. آداب روز ازدواج

۲-۱. جشن عقد و عروسی

ازدواج در همهٔ ادیان بخشی از مراسم مذهبی به شمار می‌رود. مراسم عقد ارمنه در کلیسا برگزار می‌شود؛ «کلیسا در زندگی ارمنیان نقش بسیار مهمی دارد و همهٔ مراسم

1. hanâ gejasî

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۵۵

ارمنیان از روز تولد تا مرگ در کلیسا برگزار می‌شود» (هوویان، ۱۳۸۰: ۱۰۳). ارامنه در روز عروسی اقدام به زیباسازی کلیسا می‌کردند «کشیشی که مسئول خواندن صیغه عقد بود قبل از ورود عروس و داماد و مهمانان به عطراگین نمودن و تزئین کلیسا می‌پرداخت و تمام چراغ‌ها و چهل چراغ‌های کلیسا را روشن می‌کرد» (ضیایی، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۶). در فرهادنامه کلیسا به وسیلهٔ مجمر^۱، روشن می‌شود و با انداختن مواد خوشبوکننده در درون آن، فضا معطر می‌گردد. روشن ساختن کلیسا از اعتقادات مذهبی مسیحیان نشأت می‌گیرد به این دلیل که «شعله، سمبل پیوند دائمی ازدواج بوده و تصور می‌شد که خدا در مراسم ازدواج حضور دارد» (اسدی، ۱۳۹۱: ۲۶۴).

ز ساز راهب و از سوز مجمر دماغ جان همی گشتی معطر

(فرهادنامه، ب ۱۴۵۲)

گروهی از جوانان و نوازندگان ارمنی شمعی در دست گرفته و پیشاپیش عروس و داماد راهی کلیسا می‌شدند، جوانان ارمنی با ایجاد فضای پر شور و نشاط، مهمانان شمع به دست را همراهی کرده و تاریکی شب را به روشنایی روز مبدل می‌کردند:

همی رفتند با نای و نی و کوس شده چون روز شب از تاب فانوس
به یک ره شمع‌ها را کرده پرتاب وز آن مؤمن‌دلان را دل شده آب

(فرهادنامه، ب ۱۵۴۴-۱۵۴۵)

عمده دلیل روشن ساختن مسیر به وسیلهٔ شمع این است که ارامنه بر این باور بودند که «روشن کردن شمع برای دفع ارواح خبیثه است» (مظاهر، ۱۳۷۳: ۱۹۰). حسینعلی قبادی صاحب کتاب «آیین آیین» فلسفهٔ وجود آتش در باور زرتشتیان را راندن اهریمن می‌داند «اهورامزدا برای مقابله با مار که توسط اهریمن پدید آمده بود آتش را آفرید» (قبادی، ۱۳۸۹: ۲۴۵). اجرای عقد به دست کشیش از جمله قسمت‌های اصلی و مهم مراسم بود به این صورت که «عروس و داماد پیشانی خود را بهم چسبانده و سپس اسقف اعظم ادعیه‌ای از کتاب مقدس آغاز و آن را بر بالای سر عروس و داماد قرار

۱. آتش‌دان، منقل.

۵۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می‌دهد» (کاری، ۱۳۸۴: ۱۰۶). در مراسم ازدواج ایرانیان باستان نیز، بزرگ دین نه تنها عهده‌دار جاری ساختن دعای عقد است بلکه زوجین را به رعایت اصول اخلاقی در زندگی دعوت می‌کند: «موبد پس از شنیدن ابراز رضایت عروس و داماد به آنها اندرزه‌های سودمند اخلاقی و دینی داده و برایشان دعا می‌کند» (رضایی، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۴۱). در مراسم عقد فرهاد و گلستان، ابتدا کشیش کتاب مقدس را در نهایت احترام بر سر آن دو نهاده و پس از ذکر ادعیه، عقد را بین این دو دل‌داده جاری می‌کند:

مغان انجیل را از هم گشادند
به خوش‌خوانی کلام آغاز کردند
به عزت بر سر هر دو نهادند
طریق عقد بستن ساز کردند

(فرهادنامه، ب ۱۴۴۹-۱۴۵۱)

بعد از جاری شدن صیغه عقد، عروس و داماد ساغری به میمنت و مبارکی آن روز می‌نوشتند «دستیار کشیش یک استکان به کشیش می‌دهد و کشیش خطاب به عروس و داماد می‌گوید: این نوشیدنی، سمبل خون مسیح است سپس استکان را به داماد می‌دهد و داماد مقدار کمی از آن می‌نوشد و بقیه را به عروس می‌دهد» (آساطوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۱). فرهاد و گلستان نیز در روز عروسی و پس از آنکه کشیش، هر دو را زن و شوهر اعلام می‌کند به دست یکدیگر ساغری می‌دهند و مراسم مذهبی را به اجرا درمی‌آورند. در واقع آرامنه با نوشیدن، پیمان می‌بندند که تا لحظه مرگ به یکدیگر وفادار بوده و در غم و شادی و تا پایان عمر لحظه‌ای یکدیگر را ترک نکنند:

چو محرم گشت با فرهاد دختر
به دست یکدیگر دادند ساغر

(فرهادنامه، ب ۱۴۵۶)

آیین عقد زرتشتیان نیز همچون مراسم ازدواج آرامنه با حضور بزرگ دین، دهموبد برگزار می‌شود؛ اما چگونگی آن به دلیل اختلاف در مذهب، متفاوت است به این صورت که «دهموبد و همراهان در حالی که لاله‌های روشن در دستانشان است با

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۵۷

آهنگ هیرو شاباش^۱ وارد شده به جلوی عروس می‌روند و دهموبد چنین آغاز سخن می‌کند: - بنام خدا از شما ... دخت... میپرسم آیا با زناشویی با... پور... راضی هستی دهموبد این سؤال را چندین مرتبه در میان هلله و شادی و هیرو حاضرین تکرار و غالباً در مرتبه سوم یا هفتم عروس بلی می‌گوید» (آذرگشسب، ۱۳۷۶: ۱۸۳).

۲-۲. رسم برداشتن روبند عروس

از جمله ویژگی مهم عروس ارمنی حیا و عفت اوست: «ارمنیان رخسار و چهره عروس را برای در امان ماندن از نگاه بیگانگان با تور نازک ابریشمی می‌پوشانند» (دلاواله، ۱۳۷۰: ۴۴۶). علت توجه به حجاب از آنجا نشأت می‌گیرد که «ارامنه بر این باور هستند که حجاب، عروس را از ارواح خبیثه و چشم بد محافظت می‌کند» (اسدی، ۱۳۹۱: ۲۶۴) و همچنین استفاده از نقاب یا روی‌پوش، ریشه در باورهای دینی داشته است آنان «این نقاب را به انگیزه یک سنت مذهبی به صورت می‌زنند و معتقدند هنگامی که حضرت مسیح از مادر متولد شد مریم یک نقاب توری روی صورتش کشید» (مهرآباد، ۱۳۷۹: ۹۷).

به دلیل اهمیت مستوری، برداشتن روبند عروس از جمله مراسم مهم است، ارامنه این عمل را در پایان مراسم انجام می‌دادند. پایان مجلس، ساعتی است که تنها محارم و خویشاوندان نزدیک حضور دارند «عروس روی یک صندلی می‌نشیند و ساق‌دوش دو طرف تور او را می‌گیرد و با خنده به مهمان‌ها می‌گوید تور برداشته نمی‌شود مگر اینکه پول در تور بریزید اول داماد و بعد پدر داماد و مادر عروس در تور پول می‌اندازد و بعد ساق‌دوش اول تاج و سپس تور را از روی سر عروس برمی‌دارد» (آساطوریان، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۴). حجاب و پوشش در دین زرتشت نیز همواره مورد تأکید بزرگان دین بوده؛ در «ارد/ویرافنامه» آمده «دیدم که از انگستان زنان بدکار که روی و موی آرایش می‌کردند خون و چرک بیرون می‌آید و از چشمان آنان نیز کرم» (افتخارزاده،

۱. hobiro šabâš: زرتشتیان در مجلس عروسی و عیش و سرود به جای هورا کشیدن هم‌آواز می‌گویند هیرو شاباش. جزء دوم این کلمه از شادباش گرفته شده و به همان معنی است ولی جزء اول آن معلوم نیست چه معنایی دارد، در حالی که این کلمه به جای هورای زرتشتیان است.

۵۸ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۱۳۷۷: ۲۹۲). در آیین ازدواج زرتشتیان «صورت عروس به وسیله پارچه سبزی که روی سرش انداخته شده از انظار پوشیده است» (آذرگشسب، ۱۳۷۶: ۱۸۵). در واقع ایرانیان نیز همانند ارامنه «چنان اندام و رخسار عروس را از انظار پنهان می‌دارند که هیچکس نمی‌تواند چهره و سر و گردن او را ببیند» (شاردن، ۱۳۷۲: ۴۴۱). با این تفاوت که در مراسم ازدواج ایرانیان «داماد باید بدست خود نقاب از چهره عروس بردارد» (دروویل، ۱۳۷۰: ۱۱۰) نوع دیگری از برداشتن روبند در میان ایرانیان رواج دارد «عروس روی خود را از دیگران یعنی مردان و زنان و خانواده شوهر می‌پوشاند و روز اول برای آنکه نزد مادر شوهر یا خواهران و کسان داماد چادر از سر او بردارند هر یک از آنان چیزی بر وی هدیه می‌دادند» (صفری، ۱۳۷۰: ۱۶۲). نکته جالب و مورد توجه این است که رسم برداشتن روبند را بانوان حاضر در مجلس انجام می‌دادند؛ به این شکل که آنان تور را برداشته و سپس چهره عروس را به داماد نشان می‌دادند. اجرای این رسم به دست بانوان نشان از وجود شرم و آرم در میان عروسان داشته است:

گلستان را ز رخ برقع گشودند بصد دستان به فرهادش نمودند

(فرهادنامه، ب ۱۵۷۳)

۲-۳. رسم نثارافشانی

از دیگر آداب و رسوم ارامنه افشاندن نثار است «زر افشاندن در پای یا سر یا در راه کسی یا درگاه شاهان را نثار گوید» (مصفی، ۱۳۵۰: ۲۹۰). نوع نثار، در میان ارامنه با گذر زمان و با تغییر ابزارهای داد و ستد دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته است؛ بدین معنی که «امروزه در ارمنستان هنگام جشن عروسی اقدام به افشاندن سکه‌های خرد می‌کنند» (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۷۴). نثار یا همان شاباش از جانب خانواده و نزدیکان عروس به منظور ابراز شادی و مسرت انجام می‌شده و «جوانان خانه و بستگان عروس جملگی با شاباش اظهار طرب و فرح می‌نمودند» (راوندی، ۱۳۵۴: ۲۴۸). ایرانیان از عهد باستان اقدام به سکه‌افشانی می‌کردند «سنت سکه‌افشانی در مراسم عروسی نزد ایرانیان باستان متداول بوده است» (نوری‌زاده، ۱۳۷۶: ۳۷۴). از ویژگی‌های

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۵۹

مهم این سکه‌ها سبکی و کم‌وزنی آنهاست چراکه «ساسانیان اولین کسانی بودند که قطعات نازک را برای ساخت سکه بکار می‌بردند» (قلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۵).

امروزه بیشتر اقوام ایرانی به نشانه شیرین شدن زندگی اقدام به افشاندن نقل سفید می‌کنند: «زنان مقداری نقل سفید که با پول نقره قاطی بود بر سر عروس می‌ریختند اطرافیان و کسانی که برای تماشا آمده بودند به جمع‌آوری آنها می‌پرداختند» (صفری، ۱۳۷۰: ۱۶۰). دختران جوان مجلس نقل‌های سفید را به نیت سفیدبختی و باز شدن بخت خود می‌خوردند. آنان بر این باور بودند که «از شیرینی که سر عروس شایاش می‌کند هر دختری بخورد بختش باز می‌شود» (هدایت، ۱۳۵۲: ۷۰).

از ابیات فرهادنامه می‌توان به این مهم دست یافت که نثار آرامنه، سنگ‌های قیمتی است. از آنجا که این سنگ‌ها بر سر عروس و داماد و مهمانان حاضر در مجلس پراکنده می‌شد بالطبع اندازه و وزن آنها بسیار کم و سبک بوده است:

به بالای بتان از درّ و مرجان نثارافشانی کردند از جان
(فرهادنامه، ب ۱۵۵۹)

جمع‌بندی

عناصر اجتماعی در موقعیت‌های مختلف زندگی، از گذشته تا به حال در میان اقوام مختلف در اشکال گوناگون ظاهر شده است. شناخت عناصر اجتماعی که در قالب آداب و رسوم بروز یافته، بسیاری از مشکلات اجتماعی را حل کرده و موجب پیوند اندیشه‌ها و در نتیجه دوستی و نزدیکی بین اقوام شده است. عناصر اجتماعی در فرهادنامه بازتاب گسترده‌ای داشته است. آیین ازدواج در فرهادنامه گویای بسیاری از مفاهیم اجتماعی است که شاعر بر اساس مشاهدات عینی در قالب شخصیت‌های داستان به نظم کشیده است. در جای جای ازدواج آرامنه، رد پای فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان عصر باستان و مردم اردبیل دیده می‌شود، این امر حاکی از آن است که با وجود تفاوت دین زرتشت و مسیحیت، میان ایرانیان و آرامنه نزدیکی فرهنگی و اجتماعی وجود داشته و آداب و رسوم این اقوام در یکدیگر ممزوج شده است؛ در واقع آیین ازدواج زرتشتیان و آرامنه تنها از

❖ ۶۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

جنبه مذهبی اختلاف دارد. پایداری زندگی مشترک در نزد ایرانیان باستان و ارامنه حتی با وجود نبود مهریه از اهمیت به سزایی برخوردار است؛ از این رو، خانواده در تمامی مراحل ازدواج، نقش مهم و اساسی داشته و به جرأت می‌توان گفت که بدون مشارکت خانواده، آداب و رسوم مربوط به ازدواج آن چنان که شایسته است انجام نمی‌گرفت. همچنین هم‌کفو بودن دو خانواده در نزد ایرانیان و ارامنه به‌منظور نبود اختلاف طبقاتی و دوام زندگی مشترک از جمله شروط مهم و اساسی بوده است؛ از این رو در ازدواج این اقوام، جدایی و طلاق مذموم بوده و زن و شوهر متعهد بودند با یکدیگر در نهایت وفاداری زندگی کنند.

منابع

- آذرگشسب، اردشیر (۱۳۷۶). مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان. تهران: فروهر.
- آساطوریان، آندرانیک (۱۳۹۲). آداب و رسوم ارامنه ایران. تهران: البرز فر دانش.
- آلمانی، هانری رنه د (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- اسدی، عباسعلی (۱۳۹۱). مراسم عروسی. مشهد: پاپلی مشهد.
- افتخارزاده، محمودرضا (۱۳۷۷). ایران، آیین و فرهنگ. تهران: نشر رسالت قلم.
- الثاریوس، آدام (۱۳۶۳). سفرنامه آدام الثاریوس. ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار.
- اورسول، ارنست (۱۳۸۲). سفرنامه قفقاز و ایران، ترجمه علی‌اصغر سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جنیدی، فریدون (۱۳۷۸). حقوق بشر در جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان، تهران: انتشارات بلخ.
- دروویل، گاسپار (۱۳۷۰). سفر در ایران. ترجمه منوچهر اعتماد مقدم، تهران: شباویز.
- دلاواله، پیتر و (۱۳۷۰). سفرنامه پیتر و دلاواله. ترجمه دکتر شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.

بررسی آیین ازدواج در مثنوی فرهادنامه ❖ ۶۱

- دورانت، ویل (۱۳۶۷). تاریخ تمدن ویل دورانت. ترجمه احمد آرام پاشایی و امیرحسین آریانپور، ج ۱، چ ۲، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (شرکت سهام).
- راوندی مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۴). اصل و نسب دین‌های ایران باستان، تهران: مؤلف.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و خدیجه کمالو (۱۳۹۳). «بررسی آیین حنابندان از دیر باز تا کنون»، فصلنامه فرهنگ و ادبیات، ش ۴، صص ۲۷-۵۳.
- ریاحی، سیمین (۱۳۷۰). «ازدواج در میان ترکمن‌ها»، مجله آموزش علوم اجتماعی، ش ۷، صص ۱۵-۲۱.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.
- شاردن، ژان (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. ترجمه اقبال یغمایی، ج ۱، تهران: توس.
- صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله (۱۳۷۶). حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
- صفری، بابا (علی‌اصغر) (۱۳۷۰). اردبیل در گذرگاه تاریخ. ج ۲، اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ضیایی، مژگان (۱۳۸۷). «ازدواج و زناشویی در میان ارامنه اصفهان». فصلنامه فرهنگ مردم ایران. ش ۱۳. صص ۱۹۳-۲۰۵.
- عارف اردبیلی (۱۳۵۵). فرهادنامه. تصحیح عبدالرضا آذر، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- قبادی، حسینعلی (۱۳۸۹). آیین آینه: سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- قلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۳). «سبک‌شناسی سکه‌های ساسانی»، مجله پیک نور، ش ۵، صص ۴-۱۴.
- کارری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸). سفرنامه جملی کارری. ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر.
- مصفی، ابوالفضل (۱۳۵۰). «رسم نثار»، دانشکده زبان و ادبیات فارسی تبریز، ش ۹۷، صص ۲۸۹-۳۱۶.

۶۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- مظاهر، علی اکبر (۱۳۷۳). خانواده ایرانی در روزگار پیش از اسلام. ترجمه عبدالله توکل، تهران: قطره.
- مک آفی برون، رابرت (۱۳۹۶). روح آیین پروتستان، ترجمه فیروز مجیدی، تهران: نگاه معاصر.
- مهرآباد، میترا (۱۳۷۹). زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی. تهران: آفرینش و نشر روزگار.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹). فرهنگ مردم، تهران: پارسا.
- میناسیان، لئون (۱۳۸۵). «پوشاک زن ارمنی در زمان صفویه»، مجله فرهنگ اصفهان، ش ۳۲، صص ۷۹-۷۶.
- نوری زاده، احمد (۱۳۷۶). تاریخ و فرهنگ ارمنستان از آغاز تا امروز. تهران: چشمه.
- هدایت، صادق (۱۳۵۲). نیرنگستان، تهران: جاویدان.
- هوویان، آندرانیک (۱۳۸۰). ارمنیان ایران. تهران: هورمس.